

من تاریخ، فرهنگ و هنر ایران را به پیش از اسلام و پس از اسلام تقسیم نمی‌کنم

فریدون جنیدی (مؤسس بنیاد نیشابور)

در گفتگو با نواندیش (ویژه‌نامه نیشابور) شماره ۳ - تیر ۱۳۸۰

پیش در آمد

نام بنیاد نیشابور با نام فریدون جنیدی گره خورده است. این بنیاد اگر چه نام نیشابور را دنبال دارد اما در تهران واقع است همان طور که بنیان گذار آن نیز با اینکه متولد نیشابور است سالهاست در تهران اقامت دارد. آخرین حضور فرهنگی دکتر جنیدی در نیشابور بازمی گردد به روزهای برگزاری کنگره خیام در سال ۷۹ و سخنرانی پرشور و حال ایشان در فرهنگسرای سیمرغ. فریدون جنیدی که شکوه و عظمت باستانی نیشابور را می ستاید از این شهر خاطره های بسیاری دارد هر چند آخرین خاطره او از این شهر خاطره ای غم انگیز است. سال گذشته فرزند برومندش، افشین، پزشک صمیمی و هنرمندی که نیشابور را جهت طبابت برگزیده بود در یک حادثه ناگهانی بدرود حیات گفت. با این وجود وقتی به دیدار ایشان می رویم روحیه خوبی دارد و نشان می دهد که به خوبی از پس این ماتم بزرگ برآمده است. در دفتر کارش با رویی گشاده از ما استقبال می کند و با حوصله به سئوالاتمان پاسخ می گوید.

• لطفاً بفرمایید بنیاد نیشابور در چه سالی و با چه هدفی تاسیس شد؟

پیش از انقلاب من در اندیشه این بودم که باید بنیادی تشکیل شود که منحصرأ به کارهایی که بایسته و شایسته فرهنگ ایران است بپردازد، منتها در آن زمان امکان اینکه چنین بنیادی تشکیل شود و زیر نظر مقامات عالیه زمان نباشد وجود نداشت چرا که آنها در فرهنگ بیشتر به ظواهر توجه داشتند و به دنبال چیزهایی بودند که تاج آنها را درخشان تر کند و پایه های تخت شان را مستحکم تر. خوشبختانه بعد از انقلاب این امکان پیش آمد و در سال ۱۳۵۸ من برنامه ای نوشتم که در آن شرح دادم که ملت ایران برای بازشناسی فرهنگ و پیشینه خودش نیاز به چه کارهایی دارد و این کارها هم در یکی دو نسل ممکن است به نتیجه نرسد چه بسا دویست یا سیصد سال طول بکشد که البته این زمان برای ملتی که چند هزار سال سابقه درخشان فرهنگ و تمدن بشری دارد، زمان زیادی نیست. مهم این است که خود مردم آغازگر باشند چون دولتها کارهایشان همه مقطعی است مثلاً در عرض شش ماه می خواهند سمیناری بگذارند، تمام نیروها را متمرکز می کنند که در این سمینار آن چیزهایی که در مورد نظر دولت است گفته شود. بنابراین تلاش من به عنوان بنیان گذار بنیاد نیشابور این بود که برای زندگی خودم و برای زمان خودم نیندیشم بلکه به فکر آینده باشم و خوشبختانه از سال ۵۸ تا امسال به یاری یزدان و پافشاری جوانان ایران زمین، بنیاد نیشابور یک گام از آن هدفهای پیشین این سوتر یا آن سوتر نهاده است و در راستای همان هدفها حرکت می کند.

• آیا به تنهایی بنیاد نیشابور را راه اندازی نمودید؟ و اگر پاسخ مثبت است با چه مشکلاتی مواجه شدید؟

بله در آغاز تنها بودم منتها با خودم فکر کردم که خب کسانی باید دور هم جمع شوند که این کار را بکنند و به این نتیجه رسیدم که بالاخره یک نفر باید در ابتدا آغاز کند و البته می دانستم که با مشکلات فراوانی روبرو خواهم شد و باید از همه مزایای زندگی مادی صرف نظر کنم و منحصرأً به فرهنگ ایران پردازم و این کار خیلی اشکالاتی پیش خواهد آورد اما با این حال همان روز با خودم فکر کردم که خون من از خون فردوسی رنگین تر نیست که هزار سال است درفش فرهنگ ایران را بر دوش دارد و ایران را هزار سال در برابر حملات فرهنگی و حتی سیاسی بیگانگان نگهبانی کرده است و در زندگیش گاه حتی در سفره اش نان جو نداشته است بنابراین من که هستم که در اندیشه خودم باشم. خوشبختانه با خدای خودم پیمان بستم که به هیچ کاری که جنبه مالی داشته باشد یا سودی در آن متصور باشد پردازم مگر اینکه در راه فرهنگ ایران باشد و اگر قرار است زندگی من از این راه اداره شود، بشود و گرنه بمیرم و باز هم خداوند و روان نیاکان یاری کردند که همین طور زندگی من ادامه پیدا کرد و به هیچ کار غیر فرهنگی هیچ لحظه نپرداختم. خب من آغاز کردم و خوشبختانه گروههای زیادی از جوانان، دانشمندان و استادان بزرگ ایرانی کم کم با ما همراه شدند آنطور که الان این هیئت علمی که با بنیاد نیشابور همراه است من گمان دارم که بی تردید از هیئت علمی دانشگاه تهران قویتر و نیرومندتر هستند و اینها یا به صورت مؤثر با ما همکاری می کنند و کتاب می نویسند و یا به صورت غیر مستقیم همراه با کارها و برنامه های بنیاد نیشابور هستند.

• آقای دکتر؛ بنیاد نیشابور در مدت ۲۲ سال فعالیت خود چه کارهایی انجام داده و به چه نتایجی رسیده است؟

ما روی همه زمینه های فرهنگ ایران کار می کنیم. یعنی ملت ایران برای اینکه خودش را بشناسد ناچار باید همه زمینه های هنر و فرهنگ خودش را بررسی کند و ما هم به همین کار می پردازیم. مثلاً فرض کنید که کتابی منتشر کرده ایم به نام «تاریخ سرگذشت موسیقی ایران» و یا کتابی درباره دانش کیهان و زمین در ایران باستان. علاوه بر این ما اگر بخواهیم ریشه ها را بشناسیم ناچار باید زبانهای باستانی را بدانیم به همین دلیل در این زمینه چندین کتاب منتشر کرده ایم مثلاً خود آموز زبان سانسکریت و یا فرهنگ واژه های اوستایی در چهار جلد که برای نخستین بار کرسی دانش اوستایی را از اروپا به ایران آورده است. کتاب «نامه پهلوانی» را منتشر نموده ایم که خودآموز خط و زبان ایران پیش از اسلام است. در بین فرهنگهایی که منتشر کرده ایم سه فرهنگ هست که ما در حقیقت سه زبان را به جهانیان معرفی کرده ایم، از جمله زبان «رومانو» که در اروپا قبلاً شناخته شده بود و چندین دانشگاه اروپا که در زمینه زبان کار می کنند از ما تقاضا کرده اند اجازه بدهیم این فرهنگ را به

زبانهای خودشان ترجمه کنند. در مجموع تا کنون ۶۴ کتاب که همه مرجع هستند منتشر کرده ایم و کتابهای دیگری هم در دست چاپ هستند و یا تحقیقاتی که در آینده به ثمر می رسند.

• **آقای دکتر چرا نام نیشابور را برای بنیاد انتخاب کردید؟**

نیشابور شهری است که در تاریخ ستمهای بزرگی بر آن وارد شده و در چند دوره با تخریب و ویرانگری و قتل و غارت روبرو شده است و باز دو باره سربرآورده. نیشابور مردمان بزرگ و دانشمندان بزرگواری داشته است که هر بار با درخشش بی نظیر خود، صفحه ویران شده آن را پر کرده اند و فعلاً همه آنها به باد فراموشی سپرده شده اند. من به پاس روان ناکام آن دانشمندان بزرگ این نام را برگزیدم برای بنیاد نیشابور.

• **آیا اصیلت خودتان هم در این نامگذاری مؤثر بود؟**

من باید به شما بگویم نیشابوری نیستم! من پدر بزرگم قندهاری بود و پدرم چون معدن فیروزه نیشابور را استخراج می کرد به نیشابور آمد و من در روستای معدن نیشابود به دنیا آمدم. در دو سالگی به مشهد و سپس تهران رفتم، دوران کودکی را در تهران گذراندم، در ۱۲ سالگی به نیشابور برگشتم و تا ۱۹ سالگی در نیشابور بوردم. مسلم این که دیدار آن تپه های باستانی، دیدار آن عظمت بی نظیر و به ویژه دیدار استاد روانشادم مرحوم حسن سجادی که منت بزرگی به گردن من دارد و بخش عظیمی از تلاشهای فرهنگی من مدیون اوست همه با هم مؤثر شد که نیشابور را بهتر بشناسم. شما فکر نکنید که شهر دیگری بوده در ایران لااقل بعد از اسلام که برتر از نیشابور باشد. بله در زمانهای باستان، احتمالاً همدان بزرگتر بوده یا مثلاً شوش بزرگتر بوده اما بعد از اسلام حتماً شهری بزرگتر از نیشابور نبوده و این حضور در نیشابور موجب شد که آن را بشناسم و خب البته اینها بی تاثیر نمی تواند باشد. حتماً تاثیر دارد.

• **با توجه به اینکه بنیاد، خصوصی است هزینه های آن چگونه تامین می شود؟**

من در مقدمه برنامه بنیاد نوشتم که این بنیاد اگر می خواهد ملی باشد باید ملت ایران هزینه هایش را بپردازند، متأسفانه ملت ایران الان نه شهامت دارد برای این کارها و نه آگاهی آنرا دارد. مثلاً این بنیاد که به نام نیشابور است، بسیاری از نیشابوریها از آن اطلاعی ندارند. بنابراین همه اینها روی دوش خود من فشار می آورد اما خب بالاخره ادامه می دهیم. تمام کلاسهایی که ما در اینجا داریم، در زمینه آموزش زبانهای باستانی، فرهنگ ایران باستان و شاهنامه، همه افتخاری است. در تمام سمینارها بی که شرکت می کنم و سخنرانیهایی که دارم هر جا که هستم برای ایران افتخاری کار می کنم.

• آیا دولت یا سازمان های دولتی با شما همکاری نمی کنند؟

نه، وزارت ارشاد هنوز هم همکاری چندانی ندارد مثلاً کتابهای عظیم ما را که چاپ می شود آن طور که باید بخرد اقبالاً به کتابخانه های کشور تقدیم کند نکرده. مثلاً فرهنگ اوستای ما در هیچ کتابخانه عمومی نیست مگر در کتابخانه ای که خودشان خرید کرده اند یا ما هدیه کردیم. در آن لحظات سخت به یاری ما نشناخته اند و ما خیلی از این بابت ضربه خورده ایم، با این حال من معتقدم وزارت ارشاد دارد کارهایی انجام می دهد که در حد خودش قابل ستایش است فقط متوجه نیست که از کدام انتشاراتی یا سازمان فرهنگی باید حمایت بیشتری بکند.

• ظاهراً اعتقاد چندانی به فعالیتهای دولتی ندارید؟

زمانی به من پیشنهاد شد سرپرستی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را بپذیرم اما چون دولتی بود نپذیرفتم. من در مقدمه برنامه بنیاد هم نوشته ام که دولتها لیاقت این را ندارند که کار فرهنگی بکنند اما باید بپذیرم که این دولت خیلی زیاد در این زمینه کار کرد، و من دولت و نظام جمهوری اسلامی را برتر از همه دولتهای پیشین می دانم. با این حال دولت کارش دچار نقص هم هست یعنی اینکه به یک جنبه از فرهنگ و تاریخ ایران بیشتر توجه دارد در حالیکه دولت باید توجه عام داشته باشد.

• منظورتان کدام جنبه است؟

جنبه مذهبی. به جنبه فرهنگی ملی نه اینکه نگاه نکرده باشد اما کم نگاه می کند. ما ملتی هستیم که چند هزار سال در میانه تاریخ جهان حضور سرافرازانه داشتیم نباید اینها را محو بکنیم. باید به این توجه داشته باشیم و این اتفاقاً به نفع نظام جمهوری اسلامی است، چون نظام جمهوری اسلامی گام بر می دارد، ایستاده نیست ما می بینیم توی این بیست سال گام برداشته شده و به یک جایی می رسد که آنجا باید آمادگی ملی داشته باشد، آنجا را ما از پیش دیده ایم. ما برای نظام جمهوری اسلامی این خاصیت را داریم اگر چه آنها توجه نکنند. یک زمانی هست که نظام جمهوری اسلامی باید ببیند که ملیت ایرانی هست و مورد احترام است و اگر آنجا پشتش خالی باشد در حقیقت به یک خلاء می رسد و ما داریم این پشت را پر می کنیم بدون اینکه هیچ دستوری از کسی به ما برسد و یا نظر سیاسی داشته باشیم. ما فکر می کنیم که باید فرهنگ ایران وقتی به آنجا می رسد، آمادگی خودش را داشته باشد.

• **پس با این حساب عمده فعالیت‌های شما درباره تاریخ و فرهنگ قبل از اسلام است؟**
خیر. من نه تاریخ، نه فرهنگ و نه هنر ایران را به پیش از اسلام و پس از اسلام تقسیم بندی نمی‌کنم. ما باید همه اینها را بشناسیم. اتفاقاً یکی از بزرگترین دوران درخشش فرهنگی و دانش ایران پس از اسلام بوده. ما باید همه جنبه‌های زندگی خود و فرهنگ خودمان را به یاد بیاوریم.

• **آقای دکتر لطفاً کمی هم از برنامه‌های آینده بنیاد بگویند.**
همانطور که قبلاً گفتم بیشترین کوشش ما در زمینه زبانهای ایران است. کوشش خاص ما در زمینه شاهنامه است من اکنون مشغول ویرایش شاهنامه هستم. حتماً می‌دانید که شاهنامه بسیار دچار دستبرد شده است. هر کدام از نسخه نویسان ابیاتی را به آن افزوده اند. من در پژوهشهای خودم در شاهنامه گاه به بیت‌های هم مفهوم و یا ناقض هم برخورد کرده‌ام و اگر چه درباره شاهنامه بسیار به تحقیق کرده‌اند از جمله بزرگترین کار در زمینه مقابله نسخ را جلال خالقی مطلق انجام داده است که از همه ایرانیان بر او درود باد. اما هیچ کس ابیات افزوده را تشخیص نداده است. بالاخره بنیاد نیشابور دارد این کار را انجام می‌دهد که امیدواریم روزی یک شاهنامه به دست ایرانیان بدهیم که اقلاباً بگوییم نود تا نود و پنج در سده به آن چیزی که فردوسی خودش سروده نزریک شده است.

• **فکر می‌کنید این کار چه زمانی به پایان می‌رسد؟**
الان دفتر اول آن آماده شده است و سه دفتر دیگر باقی مانده. سعی می‌کنیم به جمعیت فرهنگی ایران گزارش کنیم که بر اساس چه مدرکی فلان بیت از شاهنامه را حذف نموده ایم به همین دلیل کتابی که همراه شاهنامه است (شرح ابیات حذف شده) شاید دو برابر شاهنامه بشود و فکر می‌کنم این کار چیزی در حدود سه سال دیگر طول بکشد.

**با تشکر فراوان از شما جهت قبول این مصاحبه.
شاد باشید.**